



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۶/۱۱



م. اسحاق نگارگر

راه مبارزه دموکراسی با استبداد راهی بغرنج و پیچاپیچ است!



زرگیه څنگه وکرم څوک می تاته نپریردی

دا دا می هم و می هم می ژرا ته نپریر دی

(سیدشمس الدین مجروح)

رژیم عمر البشیر در سودان با قیام مردم رو به رو گردید و هر قدر باغ های سرخ و سبز به مردم نشان داد مردم نپذیرفتند و بر مقاومت خود پا فشردند و نظامیان مجبور شدند او را از ستیز سیاست و فرمانروایی پشت صحنه ببرند و مرد تازه نفس تر یعنی عبدالفتاح البرهان را وارد معرکه نمایند تا توپ طلایی قدرت از دست نظامیان نلغزد و گریبان شان به دست عدالت نیفتد.

اینک از روز دوشنبه سوم جون تا امروز دوشنبه دهم جون صد و چند نفر به دست نظامیان حاکم گشته شده اند و نظامیان هنوز هم نمی خواهند به رویکار آمدن یک دولت غیر نظامی و منتخب مردم تن بدهند و این خود نشان میدهد که راه مبارزه دموکراسی با استبداد راهی بغرنج و پیچاپیچ است.

در نظامهای مبتنی بر دموکراسی و اراده مردم اشخاص و مسؤولیت های شان هر دو مشخص استند. به طور مثال تریزا می صدراعظم محافظه کار برتانیه اشتباه میکند؛ اشتباه خود را می پذیرد؛ از کرسی اقتدار فرو می آید و نقش خود را به دیگری می سپارد تا بر اشتباه او غلبه نماید.

اینجا مردم نیز از ارزش رأی خود آگاه استند و می دانند که سرنوشت نهایی قدرت را رأی آنان تأمین میکند و طبیعی است که خشونت ها؛ تهمت زدن های غیر اخلاقی به رقیبان سیاسی و دهان مردم را با نقل رشوه و امتیاز شیرین کردن مورد پیدا نمی کند.

نظام های استبدادی حتی هنگامیکه ناگزیر شوند به اشتباهات خود اعتراف کنند شهادت قبول مسؤولیت را ندارند و در نتیجه نه شخص را مشخص می کنند و نه نوعیت اشتباه را و عموماً از فعل های مجهول استفاده می کنند.

در دستوره‌های زبان این فعل‌ها را بدین دلیل مجهول می‌خوانند که فاعل را مجهول می‌گذارند. به طور مثال اگر بگوییم «پشک گوشت را خورد» در این صورت فاعل فعل خوردن مشخص میشود که پشک است ولی اگر بگوییم: «گوشت خورده شد» اینجا فاعل را در پرده استتار مانده ایم و کسی آنرا نمی‌شناسد و هنگامی که نظامیان می‌گویند «فلان تعداد مظاهره‌کنندگان کشته شدند و اشتباهاتی رخ داد» هر دو فعل به صورت مجهول به کار رفته است و نمی‌گویند که «کدام کس این تعداد مردم را کشتند» و «کدام شخص مرتکب آن اشتباهات گردید» زیرا در این صورت مردم می‌خواهند که آن شخص یا اشخاص محاکمه شوند و آن اشتباهات بررسی گردد تا دیگری باز هم مرتکب آن اشتباهات نگردد. و اما بدترین سیمای استبداد همین است که مستبد بر مردم ستم میکند و در عین زمان برای قربانیان خود اجازه فریاد را نمی‌دهد. وقتی در شعر مرحوم سید شمس الدین مجروح دقت کنیم معنای ظاهرش همین است که معشوقه‌ای به عاشق خود می‌گوید:

«چه کار کنم که پدرم مرا دیدار تو اجازه نمیدهد و وقتی من گریه میکنم مرا می‌زند و برای گریه هم اجازه نمیدهد. میتوانیم با اندک دقت این حقیقت تلخ را نیز استنباط کنیم که نگار آزادی بر جامعه عاشق آزادی فریاد میزند که ای عاشق هجر آرموده چه کنم که مستبد مرا دختر خود می‌پندارد و محکوم پرده نشینی میکند و مرا می‌زند و اجازه گریه نیز نمی‌دهد.

متأسفانه هر دکتاتور خویشتن را تافته جدا بافته می‌بیند و هرگز از سرنوشت مستبدان پیش از خود درس عبرت نمی‌گیرد و همین است که عملیه مبارزه برای آزادی و دموکراسی را بغرنج و پُر از پیچ و خم می‌سازد. وقتی اکثریت مردم به سواد و آگاهی رسیدند بر ضد استبداد و ستمگری می‌ایستند و فریب افیون اطاعت کورکورانه و چشم بسته را نمی‌خورند و اما اینکه دکتاتور امروز از سرنوشت تلخ و عبرت انگیز دکتاتور دیروز عبرت نمی‌گیرد دلیلی جز غرور منحصر به فرد ندارد. استبداد همیشه بر نادانی و بیسوادی عامه حساب می‌کند و هرگز نمی‌تواند دست از غرور و خودسری بردارد زیرا که به قول بیدل ترک سودای غرور همان مرگ ظالم است:

مرگِ ظالم نیست غیر از ترکِ سودای غرور شعله از گردن کشی گر بگذرد خاکستر است

نظامیان سودان به زودی می‌فهمند که مردم با پافشاری بر مقاومت خویشتن را نیز همانند عمرالبشیر از صحنه سیاست بیرون می‌رانند. جهان روز به روز به سوی بیداری می‌رود و مردم از نیروی خود و حقیقتی که با ایشان است آگاه می‌شوند.

استبداد خفاشیست که دل به تاریکی سپرده است و تنها در شبهای تاریک جهالت و نادانی مجال پرواز و خودنمایی دارد ولی جهان به سوی نور و روشنایی می‌رود و در دل‌های روشن شده از نور دانش و تجربه گوشه‌ای تاریک باقی نمی‌ماند که جُغد استبداد مجال غرور و خودنمایی داشته باشد. مردم به نگار آزادی دیر می‌رسند اما بدون شک و شبهه می‌رسند. فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۱۰ جون ۲۰۱۹